

وضع تاریخ هجری

محمد ذوالفقاری - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، خارج فقه و اصول

برشی از کتاب: «گزیده تهاویل الربیع» اثر «آیت الله محمد ادیب» (محقق مرندی)

اشاره:

کتاب تهاویل الربیع (غنچه های رنگارنگ بهاری) که اسم فارسی آن فرنودسار (دائرة المعارف) است، کتابی است که استاد ارجمند حضرت آیت الله محمد ادیب (محقق مرندی) در مدت عمر پربرکت خویش با مطالعه بیش از سیصد و پنجاه جلد کتاب معتبر استطراف و گلچین نموده است به فرموده استاد، ایشان در جمع آوری این اثر ارزشمند هرگز از وقت درس و بحث استفاده نکرده اند، و تنها در زمان تعطیلی دروس و اوقاتی که معمولاً دیگران مشغول دید و بازدید یا شرکت در مجالس بودند با حضور در کتابخانه به مطالعه و ضبط مطالب مهم کتب معتبره همت گماشتند. ایشان در سالهای اخیر در ایام تعطیل تابستان و ماه مبارک رمضان گزیده ای از آن مطالب ناب را برای طلاب محترم حوزه علمیه الامام القائم (عج) بیان می فرمود که بسیار مورد استقبال قرار گرفت و به تقاضا و اسرار دوستان طلبه یادداشت های معظم له در پنج جلد به زیور تاپ آراسته شد تا در کتابخانه حوزه علمیه الامام القائم (عج) در دست رس و مورد استفاده طلاب ارجمند قرار گیرد، از آنجاکه همه مطالب کتاب ارزشمند تهاویل الربیع جز برای اهل علم قابل استفاده نیست بر آن شدند تا برخی از مطالب آن را در کتابی بانام "گزیده تهاویل الربیع" چاپ و در اختیار همگان قرار دهند که بحمد الله اکنون جلد دوم آن نیز در مرحله چاپ است که بزودی انشاء الله در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. امید آنکه توفیق الهی یار گردد تا این اثر گران سنگ به زیور چاپ آراسته شود و در دسترس همه تشنگان علم و معرفت بویژه پژوهشگران و محققان علوم دینی قرار گیرد. اینک صفحاتی چند از این کتاب را در منظر شما عزیزان می گسترانیم به امید آنکه مورد پسند و استفاده پژوهشگران و محققان ژرف اندیش قرار گیرد.

وضع تاریخ هجری از چه زمانی است؟ و واضح آن کیست؟ و علت وضع چیست؟

مشهور مورخین، واضح آن را عمر بن خطاب می دانند و زمان وضع را بین سال هفدهم و هجدهم هجری، خیال می کنند و علت وضع را چند چیز شمرده اند:

1. ابو موسی اشعری، استاندار دولت عمر، در بصره به او نوشت: نامه های متعددی از دار الخلافه واصل می شود، که یکی ناسخ دیگری است و من نمیدانم به کدام عمل کنم. و ناسخ از منسوخ شناخته نمی شود، پس چاره چیست؟.

2. از عمر خواستند تاریخی را جعل کند. گفت: «برای چه؟» گفتند: برای تعیین وقت معاملات و موسم اجرای احکام و روزگار ولادات و وفیات مردم، عمر نیز موافقت کرد و گفت: کارهایتان را با تاریخ روم تطبیق دهید. گفتند: مبدا تاریخ روم از زمان اسکندر ذوالقرنین است و از آن وقت خیلی می گذرد.

3. سندی را که راجع به خرید و فروش چیزی و مورخ به ماه شعبان بود، نزد عمر آوردند. گفت: کدام شعبان؟ اینکه داخل آن هستیم یا شعبانی که خواهد آمد، برای خلاصی از سر در گمی به فکر چاره افتادند و زمانی تعیین و تصمیم گرفته شد، در مبدا آن اختلاف نظرها شد، بعضی مولد و بعضی دیگر، مبعث پیغمبر (ص) را به عنوان مبدا پیشنهاد کردند و طبق این نقل، حضرت امیر المومنین علی (ع) بفرماید: هجرت نبوی (ص) مبدا سال و محرم را هم که ابتدای مراجعت حجاج از سفر حج است اول سال قرار دهید، دیگران هم قبول کردند. 1. نگارنده گوید: در خصوص مطلب ذکر شده گفتگوهای دیگری نیز در کتب مربوط وجود دارد من جمله:

4. هر زمان فرمانروای سابق اهواز که پس از اسارت، به دست خلیفه دوم اسلام آورده بود، و در آن جمع (جمع مطروحه در علت سوم) حضور داشت، گفت: برای عجم حسابی است که آنرا "ماه روز" می نامند. و کیفیت استعمال آنرا به پسر خطاب، شرح داد که مورد پسندش قرار گرفت، کلمه "ماه روز" را به «مورخ» تعریف کردند و از اسم مفعول، مصدری استخراج کردند که کلمه تاریخ شد. پیشنهاد دیگری را یکی از جدید الاسلام های یهودی داد و گفت: ما هم حسابی داریم که به اسکندر استاد می دهیم، لکن حرف او مقبول صحابه پیغمبر (ص) قرار نگرفت و اتفاق کردند که هجرت محمدی (ص) مبدا تاریخ جدید قرار دهند؛ زیرا که قدرت اسلام از هجرت اوج گرفت. 2.

در کتاب «تحقیق درباره اربعین» ص 230 فرموده: از کتب تواریخ استفاده میشود که گوینده این دلیل، حضرت علی (ص) بوده است. نگارنده گوید: بحث مهم، در واضح تاریخ است و لازم است تحقیق بیشتری شود، تا مثل بیشتر جاهها، حق صاحب حق، ضایع نشود و بی خود، کمالات به غیر اهل آن نسبت داده نشود. حقیر مدعی هستم که واضح تاریخ هجری، خود وجود اقدس الله است و پس، که به وسیله وحی به ما رسیده است. اما دلیل این ادعا روایات شیعه و سنی و بیانات دانشمندان اهل اطلاع است. «و چون در نقل روایات آتی (که از کتاب شریف «بحار الانوار» و غیر آن می باشد) قبالة و سفارش نامه های که حافظ ابو نعیم اصفهانی (یکی از اجله علمای محدثین اهل

سنت (نقل کرده است، اشاره خواهد شد ، لذا لازم است ، اول ، قباله و سفارش نامه‌ای را که ایشان روایت کرده است، ذکر کنیم. حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب خود» ذکر اخبار اصفهان» به سندهایی که در آن کتاب رقم کرده است، یک قباله و یک سفارش نامه روایت نموده است که هر دو به املای رسول الله (ص) و به قلم حضرت امیر المومنین علی (ع) و مورخ به تاریخ هجری است.

1) اما قباله ،همان کاغذ خرید حضرت سلمان (ره) از مولای خود،عثمان بن اشل یهودی است وشهودش هفت نفر از اصحاب است که یکی از آنها ابوبکر و دیگری عمر میباشد ،که بی خود جاعل تاریخ هجری بشمار آمده است.

در ذیل این قباله، عبارتی این چنین آمده است:«و کتب علی بن ابی طالب یوم الاثنین فی جمادی الاولی مهاجر محمد بن عبدالله رسول الله(ص)» یعنی نویسندهی قباله علی پسر ابی طالب است که آن را به تاریخ روز دوشنبه ،ماه جمادی الاولی ،سال هجرت محمد(ص)پسر عبدالله رسول خدا که بر او و آتش باد، نوشته است.3.

2) اما سفارش نامه ،در آن بعد از بسم الله الرحمن الرحیم آمده است:این نامه‌ای است از محمد رسول الله(ص) ،که به تقاضای سلمان در سفارش برادرش (ما بنداز فروخ) و اهل بیتش و اولاد و اولاد اولادش هر چه زاد و ولد بکنند، رقم شده است که فعلا در صدد نوشتن اصل نامه که در حدود یک صفحه است ،نیستم و نظر بر نوشتن عبارت آخر سفارش نامه است که :«و کتب علی بن ابیطالب (ص) بامر رسول الله (ص) فی رجب تسع من الهجره:» یعنی به خط علی(ص) پسر ابی طالب به امر رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد ، به تاریخ ماه رجب سال نهم هجری نگارش یافت.4

3)در آخر معاهده مقنا این عبارت آمده است:«و کتب علی بن ابیطالب بخطه و رسول الله(ص) یملی حرفا حرفا یوم الجمعة لثالث لیل خلت من رمضان سنه خمس من الهجره» یعنی این معاهده را علی (ع) پسر ابی طالب به خط خود نوشت در حالی که رسول الله (ص) حرف به حرف آن را املا می فرمود،به روز جمعه سوم رمضان سال پنجم هجرت.5

4) مولف کتاب «شهر حسین(ص)» از تاریخ یعقوبی واز کتاب «البدایه والنهایه» و«فتوح البلدان» عهد نامه رسول خدا(ص) را با نصارای نجران که به خط علی(ع)،روی پوست سرخی که دو نفر از اصحاب رسول خدا(ص) شاهد قضیه بوده اند به تاریخ 24 ذیحجه الحرام سال دهم هجری مضبوط کرده است.6

5) خَریّت فنّ اخبار و ناصر ائمه اطهار (ع) مرحوم مجلسی در جلد 58 بحار الانوار ،پس از نقل خبر صحیفه سجاده که در آن آمده است:پیغمبر (ص) در خواب دید مردانی مثل بوزینگان در بالای منبر او قرار میگیرند ،محمزون میشود،جبرئیل نازل شد و «آیه 60 سوره اسراء» و ما جعلنا الرؤیا التي اریناک الا فتنه للناس والشجره الملعونه فی القرآنآ آورده وشجره ملعونه را بر بنیامیه تفسیر کرد. پیامبر (ص) پرسید:«یا جبرئیل اعلی عهدی یکنونون و فی زمني قال لا ولكن تدور رحی الاسلام من مهاجرک فتلبث بذالک عشا ثم تدور رحی الاسلام علی رأس خمس و ثلثین من مهاجرک فتلبث بذالک خمس» یعنی ای جبرئیل ،آیا این خلاف کاریهای بنی امیه در زمان من واقع میشود؟ عرضه داشت خیر، آسیاب اسلام می چرخد تا سال دهم هجرت تو، دوباره میچرخد تا سر سالی و پنج هجرت، پس پنج سال توقف میکند.

(مرحوم مجلسی) میفرماید:این حدیث شریف دلالت میکند که جعل مبدأ تاریخ از هجرت،مأخوذ از جبرئیل ومستند به وحی سماوی وخبر نبوی(ص) است.7

6) ابو جعفر امام باقر(ع) می فرماید:امام حسین (ع) بر روی شکم مبارک پیامبر(ص) بود، جبرئیل آمد وعرض کرد:«ابنک هذا یقتله امتک علی رأس ستین من هجرتک ثم اراه التربة التي یقتل علیها» یعنی این فرزندت را امت تو سر سال شصتم هجرت میکشد.8 نگارنده گوید :منظوراخر سال شصتم است زیرا که جریان عاشورا از هشتم ذیحجه سال شصت شروع ودر دهم سال61 ختم شد . که امام حسین(ع) در هشتم ذیحجه از مکه به طرف کوفه حرکت نمود.

توجه: توجیه بهتر از علامه سید جعفر مرتضی،در خاتمه خواهد آمد.

7) درآخر صحیفه ای که عده ای از مخالفین امیر المومنین علی(ع) برای اخراج دست اهل بیت(ع) از خلافت،درزمان رسول خدا(ص) نوشتند و امضا کرده ودر کعبه دفن کردند ،این عبارت آمده است:«و کتب سعید بن العاص باتفاق ممن اثبت اسمه و شهادته آخر الصحیفه فی المحرم سنه عشره من الهجره»یعنی کاتب این صحیفه، سعید پسر العاص با توافق کسانی که در ذیل صحیفه اسامی آنها و شهادتشان درج گردیده است ،این صحیفه را رقم کرد.به تاریخ محرم سال دهم هجرت.9

8) علامه مجلسی (ره) از کتاب «مناقب» نقل میکند که«طبری» و«مجاهد» هر دو در کتاب تاریخشان نوشته اند که عمر مردم را برای جعل تاریخ جمع و از آنان برای مبدأ تاریخ جدید نظر خواهی کرد ، امیر المومنین علی(ع)فرمود:روزی را که رسول خدا(ص) هجرت فرمود، مبدأ قرار دهید. مرحوم مجلسی اضافه میکند که:«ابن شهر آشوب»این فرمایش حضرت امیر المومنین علی (ع) را توجیه میکند به این که بدعت نگذارید و تاریخی را که پیامبر(ص) تعیین فرموده است،رایج کنید؛ سند توجیه این است که «ابن شهر آشوب»نوشته است که: وقتی در ماه ربیع الاول رسول خدا(ص)به مدینه تشریف فرما شد. امر به تاریخ فرمود ،تا سر سال،تاریخ یک ماه یا دو ماه از هجرت رفته حساب،و وقتی سال تمام شد به حساب سال اول و دوم هجرت حساب کردند.10

9) پاورقی نویسنده بحارالانوار، پس از نقل عبارت مرحوم مجلسی که قسمتی از سفارش نامه رسول خدا (ص) درباره برادر حضرت سلمان- که در دلیل دوم به آن اشاره کردیم- مینویسد: از تاریخ نامه به خوبی معلوم میشود این که مشهور است که جاعل تاریخ عمر است، دور از حقیقت می باشد. 11

10) در عبارت مناقب آمده: پیامبر (ص) به روز دوشنبه دوازده ربیع الاول و گفته شده یازده ربیع الاول، وارد مدینه شد و این همان سال اول هجرت است و آن حضرت تاریخ را به محرم برگردانید. 12 ضمناً از تحقیق علامه سید جعفر مرتضی معلوم خواهد شد که محرم را عمر اول سال قرار داد که این مطابق میل حضرت امیرالمومنین علی (ع) نبود. در تأیید این مطلب، مولف کتاب «تحقیق در باره اربعین» در صفحه 241، چنین می گوید: از این که در کتاب «اقبال الاعمال» از رسول خدا (ص) نقل می کند: «و هو (اول محرم) اول يوم من السنه و هكذا» از عبارت دعای رسول خدا (ص) پس از نماز اول محرم «اللهم انت الاله القديم و هذه سنه جديده» استفاده میشود که رسول خدا (ص) اولین روز سال را اول محرم میدانست و امیر المومنین علی (ع) در زمان خلیفگی ثانی و غیر آن نگذاشت از بین ببرد.

11) در پاورقی جلد 19 بحارالانوار از تاریخ طبری «آورده که:» ابن شهاب «نقل می کند که: پیامبر (ص) در ماه ربیع الاول وارد مدینه شد و امر به تاریخ فرمود تا سر سال تاریخ را به یک ماه یا دو ماه از هجرت حساب میکردند و وقتی سال تمام شد، به حساب سال، حساب کردند و گفته شده است، اول کسی که امر به تاریخ کرد، عمر خطاب است. 13 بی چاره طبری با وجود نص صریح، باز هم دلش اجازه نمیدهد این کمال را به خلیفه دوم نسبت ندهد.

«(12) زرقانی» گفته است که: حاکم در کتاب «اکلیل» امر فرمودن پیامبر (ص) بر تاریخ را مفصلاً از «زهري» نقل کرده است. 14

13). سیوطی در این موضوع، کتاب مستغنی نوشته است. سیوطی در کتاب «تاریخ الشروط» به سند خود از «محمد بن محمض الزیادی» روایت کرده است که پیامبر (ص) در نامه ای که به نصاری نجران مینوشت، کاتب -امیرالمومنین علی (ص)- را امر فرمود که تاریخ نامه را، پنجم هجرت نبوی (ص) قید کند. سیوطی پس از نقل این روایت می نویسد: «پس بنا بر این عمر خطاب در مسئله، تابع است نه جاعل» و گفته است: این حقیقت را در کتاب مستغنی که در این موضوع تألیف کرده ام (کتاب المشار فی علم تاریخ) کاملاً بیان نموده ام. 15 ضمناً از اینکه علامه سید جعفر مرتضی در صفحه 184 کتاب خود (الصحيح من السيرة) مطلبی از سیوطی نقل کرده و در پاورقی، آدرس جلد ده «الشماریخ فی علم تاریخ» مطبوع به سال 1971 م را داده است، معلوم می شود این کتاب مجلدات زیادی دارد.

14) سهیلی در کتاب الروض گوید: مسجد قبا که در روز اول تشریف فرمایی پیامبر به مدینه، تأسیس شده است و در آیه شریفه سورة توبه لمسجد أسس علی التقوی من أول يوم أحق أن تقوم فيه 16 که در باره عظمت آن مسجد نازل شده است، چون عبارت «من اول يوم» مضاف الیه ظاهراً ندارد و نمیشود که مضاف الیه را «اول الايام كلها» بگیریم، باید در به دست آوردن مضاف الیه، از فهم اصحاب النبی (ص) در شور تاریخی درباره جعل تاریخ استفاده کنیم و آن را کلمه «اول ایام التاریخ» قرار دهیم. که آنان این مضاف الیه را از آیه شریفه استفاده کرده اند. 17 نگارنده گوید: بلی، به شرط اینکه مسئله شور اصحاب، در بحث تاریخ، حقیقت، داشته باشد و تنها مطلبی خیالی و ساختگی نباشد.

توجه: آقای سهیلی؛ مضاف الیه را از فرمایش خود پیامبر اکرم استفاده کنید نه از شور اصحاب همان طوری که «حافظ» در کتاب «الفتح» (پس از نقل «کلام سهیلی» که گذشت) می گوید: مضاف الیه «من اول يوم» کلمه «دخل النبى (ص) واصحاب المدينة» می شود. 18

15). از عبارت مرحوم «صاحب جواهر» در جلد «جهاد» استفاد می شود که: معجول بودن تاریخ در زمان پیامبر (ص) حتی در پیش نصاری از مسلمانیات بوده است، چنانچه مسلم بودن آن در پیش قریشی های مخالف حضرت امیر المومنین علی (ع) که از دلیل هفتم کاملاً واضح شد. 19

در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» للصلحی الشامی جلد دوازده آمده است:

16) در صفحه 37 به نقل از کتاب «فی الشروط» لابی محمض الزیادی، آمده است که: «پیامبر اسلام (ص) امر فرمود به حضرت امیرالمومنین علی (ع) که تاریخ عهد نامه آن حضرت (ص) با نصاری نجران را سال پنجم هجرت درج کند.» پس صاحب کتاب از این مطلب استفاده میکند که «جاعل تاریخ هجری شخص رسول خدا (ص) بوده و عمر تابع آن است نه متبوع» و میگوید: «دقت کن که مطلب خیلی نفیس است.»

17) در صفحه 38 آمده است که «بخاری» در تاریخ صغیر خود از ابن عباس نقل میکند که: تاریخ هجری در سالی که در خدمت نبی اکرم (ص) به مدینه تشریف آوردند، جعل شد.

توجه: در کتاب «الصحيح من السيره» للعلامه سيد جعفر مرتضى، جلد 4 آمده است:

(الف). در صفحه 189 می فرماید: «روایت ابن عباس را حاکم صحیح دانسته است.»

(ب). در صفحه 190 می فرماید: حرف ابن عباس را ابن عساکر در تاریخ دمشق از انس واصمی نقل می کند.

(18 در صفحه 195 میفرماید: «بلاذری» عهد نامه پیامبر (ص) با «یهود مقنا» و «بنی حبیبه» را در کتاب خود آورده و در آخر آن آمده است: «نویسنده این عهد نامه به سال نهم، علی بن ابی طالب (ع) است.»

مخفی نماند: در توجیه ضبط «ابو طالب» به حال رفع، گفته اند که کلمه ابوطالب، اسم منظور شده است.

(19) در صفحه 199، عهد نامه خالد بن ولید را با اهل دمشق آورده و مورخ به سال سیزدهم هجری است.

(20) در صفحه 205، عهد نامه خالد ربا اهل حیره آورده و مورخ به ربیع الاول سال دوازدهم است.

(21) در صفحه 205، از ام سلمه روایت می کند که پیامبر (ص) فرمود: «حسین بن علی (ع) به سر سال شصت از هجرت من شهید می شود.» نگارنده گوید: علامه سید جعفر مرتضی میفرماید: «سهم عمر از جعل تاریخ این شد که او مستقیماً یا به اشاره عثمان بر خلاف تعیین رسول خدا (ص) که اول سال را از ماه ربیع الاول قرار داده بود، به محرم برد که در زمان جاهلیت، اول سال را محرم می دانستند.» ضمناً: علامه سید جعفر مرتضی در صفحه 181 (الصحيح من السيره) میفرماید: «این تغییر بر خلاف میل حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بود.»

توجه: طغیان قلم مؤلف کتاب «مکاتیب الرسول (ص):»

مؤلف کتاب «تحقیق درباره اربعین» پس از نقل «معاهده مقنا» که در دلیل سوم گذشت، می فرماید: «از این مطلب - و نگارنده هم می گوید: از ادله بیست و یک گانه و غیر آنها - معلوم می شود که قلم مؤلف «مکاتیب الرسول (ص)» و حاشیه نویس آن، چقدر طغیان کرده که مؤلف آن به دلیل اینکه تاریخ در زمان عمر جعل شده، عبارت معاهده مقنا را حمل بر اشتباه کرده و حاشیه نویس هم گفته: «چون در جعل مبدأ تاریخ در زمان عمر، خود امیرالمؤمنین (ع) حضور داشته است، پس از اول، حضرتش طبق آن عمل میکرد.»

نگارنده؛ مضافاً بر مطالب گذشته، اعتبار هم تأیید نمیکند که امور مسلمین تا سال هیجدهم بدون تاریخ بگذرد، چطور ممکن است، رسول گرامی اسلام (ص) که اکمل ادیان را آورده است، برای دین خود، تاریخی را تعیین نکند و آن را از این جهت ناقص بگذارد و امر آن را موکول بر امتی کند (در علت دوم گذشت) که رئیس آنها گفت: حساب هایتان را با تاریخ روم تطبیق دهید. چه طور ممکن است که موکول کند بر امتیکه با آن همه اصرار پیامبر (ص) در امر غدیر و تعیین وصی، بر خلاف آن اجماع کردند؟

درود بر ایران عزیز! که بر خلاف سایر مسلمین، که از تاریخ مسیحی - بگفته بعضیها که قرنهای پس از تولد حضرت مسیح (ع) جعل شده است 20 و در مبدأ آن که تولد حضرت عیسی (ع) باشد، شش یا هفت قول نقل میکنند - تبعیت میکنند، استقلال تاریخی خود را در جعل تاریخ - که خود الله (جل جلاله) جاعل آن است - از دست نداده و از تاریخ هجریشان در امور رسمی استفاده کرده و تابع تاریخ کلیسا نشده است. ذلک فضل الله یوتیه من یشاء من عباده.

پی نوشت:

1. نسخ التواریخ، جلد دوم خلفا، ص 295.

2. بحار الانوار، جلد 58، ص 366.

3. ذکر اخبار اصفهان، جلد 1، ص 52.

4. همان، ص 53.

5. تحقیق درباره اربعین، ص 246.

6. کتاب شهر حسین (ع)، ص 244.

7. بحار الانوار، جلد 58، ص 366.

8. تحقیق درباره اربعین، ص 244.

9. بحار الانوار، جلد 28، ص 104.

10. همان، جلد 40، ص 218.

11. همان، جلد 18، ص 134.

12. همان، جلد 19، ص 121.

13. همان، جلد 19، ص 121.

14. تحقیق درباره اربعین، ص 231.

15. همان، ص 131.

16. سوره توبه، آیه 108.

17. تحقیق درباره اربعین، ص 232.

18. همان، ص 232.

19. جواهر الکلام، جلد 21، ص 235.

20. علامه سید جعفر مرتضی در صفحه 208 کتاب الصحيح من السيره گوید: «ابن العبري که یکی از دو شخصیت مسیحی است و به سال 685 هجری فوت شده است و در مواضع متعدد از کتاب خود، از تاریخ اسکندر استفاده کرده است و از تاریخ میلادی در آن اثری نیست» و از کلام سخاوی پیداست که تا اوایل قرن دهم هجری، از تاریخ میلادی اثری نبوده است. ص 209.

منابع

- ۱ - مجلسی، محمدباقر، 1385ق، بحارالانوار، مصحح محمدتقی الیزدی، دارالکتب الاسلامیه.
- 2 - لسان الملک سیهره، محمدتقی، 1385ق، ناسخ التواریخ، جلد دوم خلفاء، مصحح محمدباقر بهبودی، دارالکتب الاسلامیه.
- 3 - ابونعیم، احمد بن عبدالله، 1377، ذکر الاخبار اصفهان، تهران، سروش، انتشارات صدا و سیما.
- 4 - قاضی طباطبائی، محمدعلی، 1371، تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)، قم بنیاد علمی فرهنگی شهید قاضی.